



Possible Scenarios of the War between Russia and Ukraine and its Consequences for the Islamic Republic of Iran

Mohammad Hamed Kiani¹, Mohammad Reza Agharebparast^{2*}, Bashir Esmaili³

Received:2024/08/05

Accepted:2024/10/08

Research Article

Abstract

The war between Russia and Ukraine (since 2022), in addition to the extensive consequences for both countries, has not spared other governments at the regional and international levels from its economic, political, geopolitical, and geostrategic consequences. For the Islamic Republic of Iran, which is considered an influential actor in the region, the occurrence of the aforementioned war has created opportunities and challenges that can enter new stages if the existing scenarios about the future of this war are realized. The main question that this article tries to answer is, what consequences will these scenarios have for the Islamic Republic of Iran? According to the hypothesis of the research, considering the close relations between Iran and Russia, the dark relations between Iran and the West, as well as Iran's positions in the Ukraine war, the realization of any of the possible scenarios can affect Iran's politics, economy and position in the international system. The purpose of this article is to explain the effects of some possible scenarios about the Ukrainian war on Iran in the form of scenario writing and through the descriptive-analytical method. Based on the research findings, Iran's previous positions in the Russia-Ukraine war and its entry into the new phase of cooperation with Russia will affect the intensity and weakness of the realization of the mentioned scenarios.

Keywords: Futurology, Islamic Republic of Iran, Russia and Ukraine war, Scenario writing

Kiani, M. H., Agharebparast, M. R., & Esmaili, B. (2024). Possible Scenarios of the War between Russia and Ukraine and its Consequences for the Islamic Republic of Iran. *Journal of Political and International Research*, 16(60), pp.17-30.

¹ Ph.D. Candidate of International Relations, Islamic Azad University of Shahreza, Shahreza, Iran. m.hamed.kiani@gmail.com

² Faculty member of Political Science, Islamic Azad University of Shahreza, Shahreza, Iran. (**Corresponding Author**)aghareb@iaush.ac.ir

³ Faculty members of Political Science, Islamic Azad University of Shahreza, Shahreza, Iran. esmaeili@iaush.ac.ir



سناریوهای محتمل درباره جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران

محمد حامد کیانی^۱، محمدرضا آقارب پرست^{۲*}، بشیر اسمعیلی^۳

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷
--------------	---

چکیده

جنگ روسیه و اوکراین، علاوه بر تبعات گسترده برای هر دو کشور، سایر دولت‌ها را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از پیامدهای اقتصادی، سیاسی، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود مصون نداشته است. برای جمهوری اسلامی ایران نیز که یک بازیگر بانفوذ منطقه‌ای محسوب می‌شود، وقوع جنگ نامبرده فرصت‌ها و چالش‌هایی را به وجود آورده که در صورت تحقق سناریوهای موجود درباره آینده این جنگ، می‌تواند وارد مراحل جدیدی شوند. سؤال اصلی که مقاله حاضر سعی می‌کند برای آن پاسخی بدهد این است که این سناریوها چه پیامدهایی برای جمهوری اسلامی ایران خواهند داشت؟ بر طبق فرضیه‌ی پژوهش، با توجه به روابط نزدیک ایران و روسیه، تیره بودن مناسبات ایران با غرب و نیز مواضع ایران در جنگ اوکراین، تحقق هر کدام از سناریوهای قابل طرح می‌تواند بر سیاست، اقتصاد و جایگاه ایران در نظام بین‌الملل، تاثیراتی داشته باشد. هدف مقاله حاضر این است که در قالب سناریونویسی و از طریق روش توصیفی - تحلیلی، تاثیرات ناشی از بعضی سناریوهای محتمل درباره جنگ اوکراین بر ایران را تبیین نماید. بر اساس یافته‌های تحقیق، مواضع قبلی ایران در جنگ روسیه و اوکراین و ورود این کشور به فاز جدید همکاری با روسیه، بر شدت و ضعف تحقق سناریوهای نامبرده تاثیر خواهد گذاشت.

واژگان کلیدی: جنگ روسیه و اوکراین، جمهوری اسلامی ایران، سناریونویسی، آینده پژوهی

کیانی؛ محمد حامد، آقارب پرست؛ محمدرضا، اسمعیلی؛ بشیر (۱۴۰۳). سناریوهای محتمل درباره جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۶۰، صفحات ۳۰-۱۷.

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران. m.hamed.kiani@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول). aghareb@iaush.ac.ir

^۳ گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران. esmaeili@iaush.ac.ir

مقدمه

حمله‌ی روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، یکی از مهم‌ترین اتفاقات در صحنه‌ی بین‌المللی در طول چند دهه‌ی اخیر است. این حمله در سطح نزاع بین دو کشور محدود نمانده و پیامدهای ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک آن نظام بین‌الملل را متاثر ساخته‌اند. روسیه می‌خواهد که اوکراین نباید به ناتو بپیوندد و مواضع ملی این کشور نیز نباید بر اساس این خواست شکل بگیرند، زیرا به اعتقاد روسیه، ایالات متحده و متحدانش از اوکراین برای راه‌اندازی پایگاه‌های نظامی برای حملات احتمالی علیه وی استفاده خواهند کرد. پس روسیه مطمئن است که اوکراین نباید اجازه‌ی پیوستن به ناتو را داشته باشد؛ زیرا این اتفاق به معنای به خطر افتادن حاکمیت و استقلال روسیه است. از سوی دیگر، ایالات متحده و غرب و همچنین ناتو می‌گویند که چون اوکراین کشوری مستقل است، باید به آن اجازه داده شود تا خودش درباره‌ی پیوستن به ناتو تصمیم بگیرد. (Oualaalou, 2022).

جمهوری اسلامی ایران، با توجه به موقعیت مهم خود به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای، چالش با غرب داشته و در همسویی با روسیه، از پیامدهای این جنگ مصون نیست. از همان شروع جنگ، سه گزینه برای ایران مطرح بوده است: سیاست بی‌طرفی یا بی‌طرفی فعال؛ همراهی با غرب و محکومیت حمله‌ی روسیه به اوکراین؛ حمایت آشکار یا تلویحی از روسیه (شکوهی و قاسمی، ۱۴۰۳: ۶۵-۸۹). این در حالی است که ایران، ضمن انتقاد به جنگ و اعلام مواضع رسمی خود مبنی بر بی‌طرفی و حتی تمایل به میانجی‌گری، در عمل فروش پهباد به روسیه را انکار نکرد (تابناک، ۱۴ آبان ۱۴۰۲) و از طرف دیگر، ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت ایران، در طی سخنرانی خود در دوما‌ی روسیه (ژانویه ۲۰۲۲)، سلطه‌گری آمریکا را محکوم کرد و نفوذ ناتو را نیز مورد انتقاد قرار داد و علاوه بر این، بر افزایش همکاری‌های همه‌جانبه بین ایران و روسیه تاکید نمود (سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو، ۱۴۰۰/۱۰/۳۰). توسعه‌ی روابط استراتژیک بین ایران و روسیه، تاکید روسیه بر ایران به عنوان یک شریک راهبردی و متحد خوب برای مقابله با نظام بین‌المللی کنونی به رهبری آمریکا، مشکلات هر دو کشور که از تحریم‌های غرب ناشی می‌شود و اهمیت دکتترین «نگاه به شرق» برای رهبران ایران، روابط ایران و روسیه را از زمان جنگ اوکراین تا امروز وارد فاز جدیدی کرده است (Niakooee and Rahdar, 2021).

در این بین، تحقق سناریوهای محتمل درباره‌ی جنگ روسیه و اوکراین به ایران نیز ربط پیدا خواهد کرد؛ زیرا ایران از یک طرف یک بازیگر کم‌اهمیت و ثانویه در سطح منطقه‌ای محسوب نمی‌شود؛ بلکه یک بازیگر فعال بوده و در مناسبات جدید دارای قدرت تاثیرگذاری است و از طرف دیگر، مانند سایر کشورها نمی‌تواند از پیامدهای درگیری مصون بماند. ضمناً مواضع ایران باعث نزدیکی بیشتر این کشور به روسیه، تیره شدن روابطش با اوکراین و ایجاد چالش‌های جدید با غرب شده است که این مسائل نیز در صورت تحقق سناریوهای اصلی جنگ اوکراین، ایران را از خود متاثر خواهند نمود. پژوهش حاضر، با علم به اهمیت موضوعات نامبرده، سعی می‌کند تا با مطرح کردن سناریوهای اصلی درباره‌ی جنگ روسیه و اوکراین، فرصت‌ها و خطرات موجود بر سر راه ایران را در قالب دستاوردها و پیامدها ارائه کند.

۱- ادبیات تحقیق

سمیعی اصفهانی و فرهنگ (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «جنگ روسیه - اوکراین و آینده‌ی نظم بین‌المللی»، به این مسئله پرداخته‌اند که تحت شرایط ناشی از این جنگ، نگرش و عملکرد بازیگران درگیر می‌تواند پیامدهای مهمی برای سیاست جهانی داشته باشد. مولفان، سناریوهای زیر را مطرح کرده‌اند: ۱) سناریوی مطلوب از نظر روسیه: ائتلاف روسیه - چین، مهار آمریکا و ناتو؛ ۲) سناریوی محتمل: الف. توافق صلح با بازیگری چین، ترکیه، اسرائیل و فرانسه و تغییر نظم ساختار بین‌الملل؛ ب. تداوم جنگ و تشدید نزاع بین‌المللی؛ ۳) سناریوی ممکن: وقوع جنگ هسته‌ای. به اعتقاد مولفان، جنگ اوکراین نقطه عطفی در نظم بین‌المللی بوده و پس از جنگ اوکراین، نظام بین‌الملل وارد عصر جدیدی می‌شود.

در تحقیقی از مرکز پژوهش‌های اتاق ایران با عنوان «فرصت‌ها و تهدیدهای بحران اوکراین برای اقتصاد ایران» (۱۴۰۰)، بر این موضوع تأکید شده است که ایران با توجه به روابط سیاسی نزدیک با روسیه، همزمانی این جنگ با مذاکرات برجام، موقعیت خاص جغرافیایی و البته تأثیرپذیری از بازارهای جهانی کالاهای اساسی، هم در معرض پیامدهای منفی این جنگ قرار دارد و هم از این شانس برخوردار است تا فرصت‌های به وجود آمده را در راستای توسعه‌ی صادرات خود مورد استفاده قرار دهد.

نیاکویی و رهدار^۱ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «خاورمیانه و ایران در سیاست خارجی روسیه بعد از جنگ اوکراین»^۲ اشاره دارند که جنگ در اوکراین و چشم‌انداز ادامه و حتی تشدید تنش در روابط روسیه با غرب به شدت بر اولویت‌های سیاست خارجی روسیه تأثیر گذاشته است. استراتژی «نگاه به شرق» که ریشه تاریخی در سیاست خارجی روسیه دارد و از نیمه دوم دهه‌ی ۱۹۹۰ با جدیت بیشتری دنبال شده است، به خصوص در دهه اخیر رویکرد غالب در سیاست خارجی مسکو محسوب می‌شود. در واقع، پس از جنگ اوکراین، روسیه چاره‌ای جز رفتن به طرف شرق، خاورمیانه و ایران ندارد.

تامپوبولون^۳ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «اشغال اوکراین توسط روسیه و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک جهانی»^۴ این موضوع را مطرح می‌کند که حتی اگر تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه برای آسیب رساندن به این کشور باشد، اما همه‌ی آنها ناخواسته عواقب زیادی بر نظام اقتصادی جهان دارند که ناشی از اختلالات جهانی در زنجیره‌ی تامین قدرت، کالاها و همچنین جریان تجارت است. جنگ روسیه و اوکراین باعث افزایش هزینه‌ها در حوزه‌ی انرژی، افزایش قیمت کالاها و همچنین افزایش قیمت مواد غذایی خواهد شد که همه‌ی اینها به تورم بیشتر در مقیاس جهانی در چندین کشور منجر شده‌اند و این روند ممکن است ادامه پیدا کند.

برونک و حکیمی^۵ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «روسیه، اوکراین و آینده‌ی نظم جهانی»^۶، تهاجم روسیه به اوکراین را یکی از مهم‌ترین شوک‌ها به نظم جهانی پس از جنگ جهانی دوم محسوب کرده‌اند و به ارزیابی مخاطرات آن برای اصول کلی حقوق بین‌الملل معاصر و نظم جهانی پرداخته‌اند. مطابق با استدلال مولفان، حتی با پایان یافتن جنگ روسیه و اوکراین، باز هم جهان از تغییرات ناشی از آن در امان نخواهند ماند و این امر می‌تواند به تغییر نظم جهانی منجر شود. نوآوری مقاله‌ی حاضر را می‌توان در تمرکز آن بر تأثیرات مثبت و منفی ناشی از جنگ روسیه و اوکراین - در قالب سناریوهای اصلی (پایان یافتن جنگ، فرسایشی شدن جنگ و تشدید جنگ) - برای جمهوری اسلامی ایران که از زوایای مختلف (روابط با روسیه، روابط با غرب و نظام بین‌الملل)، جستجو نمود.

۲- روش تحقیق

در این مقاله از روش سناریونویسی در چارچوب آینده‌پژوهی استفاده می‌شود. به همین منظور، ما در ابتدا از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌کنیم؛ یعنی داده‌های مورد نیاز را از منابع اولیه مستخرج کرده و در مرحله‌ی بعد آنها را مورد توصیف و تحلیل قرار خواهیم داد تا بدین وسیله امکان ارائه سناریونویسی آینده‌(های) ممکن و تأثیرات آنها بر جمهوری اسلامی ایران، وجود داشته باشد. آینده‌پژوهی، دانشی بینارشته‌ای است که داده‌های طبقه‌بندی‌شده را با دو روش تجربی و منطقی با هدف تحلیل روندها و ترسیم سناریوهای محتمل آینده، جمع‌آوری می‌کند. رویکرد عمده در آینده‌پژوهی بر ضرورت وجود یک چارچوب مفهومی برای درک آینده تأکید دارد. سناریونویسی یکی از مهمترین ارکان این روش و ابزار برتر آینده‌پژوهی محسوب می‌شود هستند (Inayatullah, 2013: 54).

بعضی از مهم‌ترین روش‌های سناریونویسی عبارتند از:

¹Niakooee and Rahdar

²The Middle Est and Iran in Russia's Foreign Policy after the Ukraine War

³Tampubolon

⁴Russia's invasion of Ukraine and its impact on global geopolitics

⁵Brunck and Hakimi

⁶Russia, Ukraine and the future world order

- ۱) روش چندمتغیر^۱ که از مثلث آینده و تحلیل مسائل نوظهور بر اساس تصاویر یا هدایت‌گرها گرفته شده است.
 - ۲) روش متغیر دوگانه^۲ که دو اصل عدم قطعیت و توسعه‌ی مدل‌های جایگزین را مشخص می‌کند.
 - ۳) روش سناریونویسی ابداعی توسط جیمز دیتور^۳ که کهن‌الگوهای^۴ سناریو را بیان می‌کند (Dator, 1979)، یعنی رشد مداوم، فروپاشی، حالت پایدار و دگرگونی.
 - ۴) روش سناریونویسی سازمانی که توسط پیتر شوارتز^۵ (Schwartz, 1995) توسعه یافته است. ساختار این روش از سناریونویسی از چهار متغیر تشکیل شده است: بهترین حالت، بدترین حالت، آینده‌ی غافلگیرکننده بر اساس یک مسئله‌ی نوظهور مخرب، حالت معمولی.
 - ۵) تکنیک سناریونویسی چهاربُعدی. ابعاد این تکنیک عبارتند از: الف) بُعد ترجیحی؛ ب) بُعد مرتبط با عدم تعلق؛ ج) بُعد یکپارچه که در آن امور متعلق و رد شده به شکلی پیچیده با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند؛ د) بُعد دورتر یا آینده‌ای خارج از تقسیمات مطرح شده (Inayatullah, 2013: 57).
- در این مقاله تلاش می‌شود تا با توجه به تغییر در روندها و پیشرانها، سناریوهای عمده در رابطه با آینده‌ی جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن برای ایران در حوزه‌های مختلف بررسی شود.

۳- چارچوب نظری تحقیق: رئالیسم تهاجمی

- رئالیسم تهاجمی نظریه‌ای در روابط بین‌الملل که دولت‌ها را به عنوان بازیگران منطقی و قهرمانان اصلی در امور جهانی در نظر می‌گیرد. بر اساس این مکتب، شرایط هرج و مرج بین‌المللی در صحنه جهانی همواره دولت‌ها را تشویق به توسعه‌طلبی می‌کند. این امر بدان معناست که تاکید بر پتانسیل درگیری و نزاع در نظام بین‌الملل است. سیاست توسعه‌طلبانه در صورتی دنبال می‌شود که سود آن از هزینه‌هایش بیشتر باشد. همه‌ی دولت‌ها به دنبال به حداکثر رساندن قدرت نسبی خود هستند، زیرا تنها بقای قوی‌ترین‌ها قابل تضمین است.
- جان مرشایمر^۶ را می‌توان نظریه‌پرداز اصلی رئالیسم تهاجمی دانست. وی برای نظریه‌ی مزبور پنج اصل قائل است:
- ۱) نظام بین‌الملل آنارشیک است، زیرا هیچ مرجع مرکزی بالاتر از دولت‌ها وجود ندارد.
 - ۲) دولت‌ها دارای قابلیت‌های تهاجمی هستند و همگی می‌توانند از خشونت و آسیب رساندن یا حتی نابودسازی یک دولت دیگر، استفاده نمایند.
 - ۳) دولت‌ها هرگز نمی‌توانند از نیات سایر کشورها مطمئن باشند.
 - ۴) انگیزه‌ی اصلی دولت‌ها، بقا است.
 - ۵) دولت‌ها بازیگران منطقی هستند. آنها توانایی‌ها و استراتژی‌های دیگر دولت‌ها را در نظر می‌گیرند و برای بقا، با استراتژی‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند (Mearsheimer, 2009: 241-256).
- مرشایمر توضیح می‌دهد که به دلیل هرج و مرج نظام بین‌الملل و در نتیجه فقدان اقتدار مرکزی بر روی دولت‌ها، آنها به دنبال حفظ تمامیت ارضی و نظم سیاسی داخلی خود هستند؛ در حالی که با سایر کشورهایی که توانایی‌های نظامی تهاجمی دارند و نمی‌توانند از مقاصد آنها مطلع شوند، مقابله می‌کنند. بنابراین وی این ایده را استنباط می‌کند که دولت‌ها با میل به دست آوردن قدرت هدایت می‌شوند و به امید تسلط بر دیگران به حداکثر رساندن توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود می‌پردازند، زیرا این راه بهینه برای به حداکثر رساندن امنیت آنهاست. این امر شامل تجهیز نیروهای مسلح و اهمیت امور نظامی است.

¹Multi-variable

²Double variable method

³James Dator

⁴Archetype

⁵Peter Schwartz

⁶John Mearsheimer

هرچه نیروهای مسلح یک دولت قدرتمندتر باشند، آن دولت توانایی بیشتری در بازدارندگی یک متجاوز احتمالی خواهد داشت و در صورت شکست بازدارندگی، آن دولت قادر به پیروزی در جنگ خواهد بود. اگر دولتی نتواند ارتشی به اندازه کافی قدرتمند بسازد، برای جبران ضعفش به دنبال متحدان می‌رود. این پدیده «توازن قدرت»^۱ نامیده می‌شود. اگر وقتی توازن قوا وجود داشته باشد، وضعیت نسبتاً پایدار است. با این حال، زمانی که یک قدرت بزرگ برتری قابل توجهی نسبت به دیگران به دست آورد، عدم تعادل به نفع هژمون بالقوه ایجاد می‌شود و سطح عمومی بی‌اعتمادی، نگرانی و در نتیجه رقابت را افزایش می‌دهد. در پاسخ، سایر دولت‌ها می‌توانند توانایی‌های نظامی خود را افزایش دهند یا با قدرت‌های دیگر برای مقابله با این هژمون بالقوه متحد شوند. یک قدرت به دنبال هژمونی است، زیرا این موقعیت امن‌ترین محسوب می‌شود. دولت هژمونیک برتر از دیگران بوده و برای بقا مساعدتر است (Mearsheimer 2014: Chapter 2).

رنالیسم تهاجمی مرشایمر به عنوان چارچوب نظری این تحقیق انتخاب شده است، زیرا می‌تواند با تحلیل رفتار عقلانی قدرت‌های بزرگ در دنیای آنارشیک و انگیزه‌ی اصلی آنها (که همان بقاست)، یک شبکه‌ی تحلیلی جالب در مورد بازی قدرت روسیه - اوکراین ارائه می‌دهد. سیاست خارجی روسیه نسبت به اوکراین، به عنوان تلاشی از سوی مسکو برای تامین امنیت فضای منطقه‌ای با تحمیل خود به عنوان یک قدرت هژمونیک است و این کشور از این طریق بقای خود را در برابر تهدید قدرت‌های غربی و ناتو تضمین می‌کند. بنابراین روسیه سعی می‌کند تا با استفاده از قدرت نظامی و اشغال اوکراین، فضای امنیتی خود را به حداکثر برساند و علاوه بر این، از طریق سیاست خارجی نظامی و تهاجمی، به عبور از سیستم دوقطبی به چندقطبی عکس‌العمل نشان می‌دهد. هر دو مورد، برای شناخت پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین برای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت و بازیگر منطقه‌ای، مهم می‌باشد. علاوه بر این، ایران هم به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، برای جبران روابط مخدوش خود با غرب، به دنبال ائتلاف و گسترش همکاری با ابرقدرت هژمونی مثل روسیه است.

۴- روابط ایران - اوکراین و ایران - روسیه

بعد از حمله‌ی روسیه به اوکراین و با شکل‌گیری مناسبات جدید و نزدیک بین تهران و مسکو، روابط جمهوری اسلامی ایران با اوکراین به شدت دچار واگرایی شد. در واقع، با ورود همکاری‌های استراتژیک ایران و روسیه با فاز جدید، این اعتقاد در بین بخشی از نخبگان و سیاستمداران حاکم شکل گرفت که حمله‌ی روسیه به اوکراین به معنی تجاوز به تمامیت ارضی یک کشور و نقض حقوق بین‌الملل نیست؛ بلکه روسیه برای حفظ منافع ملی و برقراری امنیت در مرزهای غربی خود و نیز برای مقابله با توسعه‌طلبی آمریکا و ناتو مبادرت به این کار کرده است و ایران با این کشور در به چالش کشیدن نظام یکجانبه‌ی غربی همراه می‌باشد (شکوهِی و قاسمی، ۱۴۰۳: ۷۸).

با این وجود، باید اذعان کرد که علی‌رغم ظرفیت‌های زیاد همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، مانع بزرگ را باید تفاوت در استراتژی‌های سیاست خارجی این دو کشور دانست؛ زیرا «روسیه همواره تلاش دارد بازی با حاصل جمع غیر صفر تعریف کند؛ در دوقطبی قرار نگیرد و با تعریف یک بازی برد - برد بیشترین منافع را دنبال کند و استراتژی دیپلماسی و مذاکره را با همه طرفین باز نگه دارد؛ اما در مقابل جمهوری اسلامی در بسیاری از چالش‌ها رویکردی مطابق با حاصل جمع صفر دارد؛ موضوعات را در یک دوقطبی، دشمنی با آمریکا و اسرائیل، پیش می‌برد که قدرت مانور همکاری‌ها را بین دو کشور کاهش می‌دهد» (یزدی یحیی‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۸۵۴). به عبارت دیگر، رنالیسم تهاجمی روسیه به عنوان یک دولت هژمون که به دنبال حداکثرسازی توان خود در نظام آنارشیک بین‌الملل است، از دوقطبی‌سازی که می‌تواند برای منافع ملی وی خطرناک باشد پرهیز می‌کند؛ اما جمهوری اسلامی با وجود تاکید بر ضرورت جهان چندقطبی، سیاست خارجی خود را در عمل بر مبنای چالش ایدئولوژیک با دوقطبی مزبور قرار داده است. همین تفاوت باعث می‌شود که روابط ایران و روسیه، علاوه بر اشتراکات، افتراقات اساسی نیز داشته باشد.

¹Balance of power

گفتیم که از آغاز جنگ روسیه و اوکراین تا امروز، ایران از یک طرف روابط خود را با روسیه مستحکم‌تر و نزدیک‌تر کرده و از طرف دیگر، روابط این کشور با اوکراین تیره شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر، ادعای فروش تسلیحات توسط ایران به روسیه است. دولت ابراهیم رئیسی در این مورد ابتدا شفاف نبود، اما امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه‌ی ایران، ضمن رد تحویل موشک به روسیه اذعان داشت که «ما مقدار معدودی پهپاد ماه‌ها قبل از جنگ اوکراین در اختیار روسیه گذاشتیم. اگر برای ما ثابت شود روسیه از پهپاد ایرانی در جنگ علیه اوکراین استفاده کرده، ما نسبت به این مسئله بی‌تفاوت نخواهیم بود. موضع ما در خصوص جنگ اوکراین توقف جنگ، بازگشت طرفین به مذاکره و بازگشت آوارگان به منازلشان است» (انصاف‌نیوز، ۱۴ آبان ۱۴۰۱).

۵- سناریوهای محتمل درباره جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران

۵-۱- سناریوی نخست: آرام شدن جنگ

این سناریو، آرام شدن درگیری‌ها را در اوکراین تا سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی می‌کند و بر طبق آن، ما شاهد تثبیت مناطق جلویی در مرزهای دونباس و نیز باقی ماندن اودسا در دست اوکراینی‌ها خواهیم بود. با این حال، حتی در صورت به وجود آمدن شرایط مذکور، باز هم سرایت درگیری‌ها به میدان سایبری از طریق حملات مکرر به زیرساخت‌های استراتژیک یا سایت‌های حساس و درج اطلاعات نادرست با هدف بی‌ثبات سازی، ادامه خواهد یافت. تحت شرایط ایجاد شده، تعادل نیروها، با وجود عدم تشدید درگیری‌های زمینی، همچنان غیرقابل پیش‌بینی است. از منظر ژئوپلیتیک، اوکراینی‌ها هنوز از حمایت غربی‌ها در این مسیر برخوردارند؛ هر چند این امر برای تغییر موازنه‌ی قدرت در برابر روسیه کافی نیست. پیش‌بینی می‌شود که روسیه بتواند به لطف درآمد تجاری مهم (علی‌رغم وجود تحریم‌ها)، به تلاش خود برای استمرار جنگ ادامه بدهد (Le Bec and Segur, 2023: 25).

با این حال، از شدت درگیری‌ها کم نشده است. نیروهای اوکراینی ظرفیت زیادی برای انعطاف‌پذیری از خود نشان داده‌اند که یکی از علل آن، حمایت غرب از آنهاست. در همان حال، روسیه نیز با افزایش بسیج جمعیت خود، در کنترل فشار وارده از جانب ارتش اوکراین موفق عمل کرده است. تا سال ۲۰۲۵ و در مسیر پیش‌بینی شده برای آینده بر طبق سناریوی نخست، روس‌ها می‌توانند در فرسایشی کردن نبرد موفق شوند. با این حال، فرضیه‌ی مزبور بر مشروط به بسیج فزاینده‌ی نیروهای روسی و ورود صنایع به جنگ است. همچنین فرضیه‌ی عدم علاقه‌ی افکار عمومی روسیه به تداوم جنگ نیز قابل مشاهده است. دلیل این امر، وخامت احتمالی اقتصاد کشور در سال‌های آینده در ارتباط با کاهش درآمدهای ناشی از صادرات انرژی خود می‌باشد. سناریوی نخست در وهله‌ی نخست تأثیر خود را بر مراودات تجاری ایران - روسیه و ایران - اوکراین خواهد گذاشت. نباید فراموش کرد که «اگر چه حجم مبادلات تجاری ایران و روسیه چشمگیر نیست، ولی در مقایسه با اوکراین از وضعیت بهتری برخوردار است» (حلالخور و سعیدی راد، ۱۴۰۰: ۸۷). با توجه به این که هم ایران و هم روسیه تحت تحریم‌های غرب قرار دارند، همین مسئله باعث همگرایی منافع این دو کشور شده است که نمود آن را در مراودات اقتصادی و نظامی مشاهده می‌کنیم (جباری، ۱۴۰۱: ۹۸). در عین حال، مراودات اقتصادی بین ایران و دو کشور مزبور از زمان وقوع جنگ، تغییر کرده و تحت تأثیر سیاست خارجی ایران در قبال آنها قرار گرفته است؛ چون همانطور که اشاره شد، ایران از یک سو به روسیه نزدیک‌تر شده است و از سوی دیگر با اوکراین تقریباً قطع رابطه کرده است. آرام شدن جنگ می‌تواند فضای امنیتی حاکم بر روابط اقتصادی و تجاری بین ایران و روسیه را تحت تأثیر قرار دهد؛ به خصوص با توجه به این که خود روسیه از تحریم‌های شدید غرب رنج می‌برد.

علاوه بر مسئله‌ی امنیت اقتصادی، مسئله‌ی امکان یا عدم امکان ترمیم روابط ایران با اوکراین نیز به قوت خود باقی می‌ماند؛ به ویژه این که اوکراین در جریان مسئله‌ی فروش پهپاد، ایران را عملاً یکی از تامین‌کنندگان تسلیحاتی روسیه می‌داند. ضمناً ترمیم روابط با غرب (یعنی حامی اوکراین) نیز دوباره برای ایران که تمام تخم مرغهای خود را در سبد روسیه گذاشته است،

مسئله‌ساز خواهد شد، به ویژه با توجه به دشمنی ایران و اسرائیل که در جریان جنگ غزه وارد فاز جدی‌تری شده است و نیز لاینحل ماندن پرونده‌ی هسته‌ای ایران و خطر فعال شدن مکانیسم ماشه.

از منظر رئالیسم تهاجمی، آرام شدن جنگ ممکن است ناشی از تغییر در استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ باشد. قدرت‌هایی مانند ایالات متحده و روسیه ممکن است به این نتیجه برسند که جنگ ادامه‌دار هزینه‌های سنگینی به همراه دارد و به نفع آن‌هاست که از درگیری‌ها بکاهند. این تغییر استراتژیک می‌تواند به خصوص در شرایطی که هزینه‌های اقتصادی و سیاسی جنگ بالا می‌رود، بیشتر محسوس باشد (Mearsheimer, 2014). رئالیسم تهاجمی به رابطه بین امنیت و اقتصاد توجه ویژه‌ای دارد. در این سناریو، کاهش تنش‌ها و آرامش در جنگ می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای درگیر منجر شود. جنگ‌های طولانی مدت معمولاً باعث آسیب به زیرساخت‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شوند. بنابراین، کشورهای درگیر ممکن است به آرامش نیاز داشته باشند تا بتوانند به بازسازی اقتصادی خود بپردازند و از این طریق، امنیت و ثبات خود را تقویت کنند (Taliaferro, 2000). در این سناریو، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از آرام شدن جنگ به عنوان فرصتی برای تقویت دیپلماسی و روابط اقتصادی خود استفاده کند. با کاهش تنش‌ها در اوکراین، ایران ممکن است قادر باشد از فضای جدید به وجود آمده بهره‌برداری کند و به تقویت روابط خود با کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ پرداخته و به گسترش نفوذ خود بپردازد (Waltz, 1979).

۵-۲- سناریوی دوم: تشدید جنگ

سناریوی تشدید جنگ به قطبی شدن ژئواستراتژیک درگیری در عرصه‌ی روابط بین‌الملل منجر می‌شود. در حالی که بلوک غرب به حمایت از تلاش‌های جنگی اوکراین ادامه می‌دهد، چین در کنار روسیه ایستاده است. این مخالفت که با افزایش درگیری و تشدید آن مشخص می‌شود همچنان به صورت فیزیکی در اوکراین مهار شده، اما به طور گسترده به حوزه‌ی سایبری سرایت کرده است.

تا سال ۲۰۲۵، اثرات بسیج روسیه هنوز نامشخص است و انکار ناپایداری اهداف جنگ حداکثری هنوز هم بسیار ضعیف است. در واقع اگر روسیه در حفظ یا معکوس کردن موازنه‌ی نیروها به روش متعارف ناتوان نشان بدهد، می‌تواند تشدید حملات را در قالب ترکیبی در نظر بگیرد. این امر، سناریوی کنونی (سناریوی دوم) را به سمت سناریوهای دیگری تغییر می‌دهد. ضمناً بلاروس نیز می‌تواند مستقیماً درگیر جنگ شود. همچنین به نظر می‌رسد که در سطح ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک هم سناریوی دوم با وضعیت فعلی جهان مطابقت دارد.

این سناریو ممکن است در وهله‌ی نخست نقش ایران را در کمک نظامی به روسیه (مسئله‌ی فروش پهباد) تسریع کند که در بلندمدت می‌تواند پیامدهای نامطلوبی برای روابط ایران و غرب از جمله در حوزه‌ی انرژی داشته باشد. از سوی دیگر، احتمال پیوستن ایران به سایر جبهه‌ها و بلوک‌های جدید غیر غربی وجود دارد. البته باز هم باید تکرار کرد که از منظر روابط بین‌المللی، دنیای چندقطبی با بلوک‌های مختلف که احتمالاً در حال شکل‌گیری است فعلاً به معنای همسویی چین با روسیه نیست. تقویت تنش با همسایگان اسرائیلی و کره‌ی جنوبی به همپوشانی خاصی از جبهه‌های مختلف درگیری شهادت می‌دهند، جایی که قطبی شدن اتحادها و ادراک فرصت‌ها برای قبض قدرت به افزایش تنش‌ها دامن می‌زنند. بنابراین، اسرائیل با تکرار ادعای تهدید هسته‌ای از جانب ایران می‌تواند به ناتو برای مخالفت با ادعای تحویل هواپیماهای بدون سرنشین از تهران به روسیه استفاده کرده و این اهرم فشار را برای بسیج یک ائتلاف علیه ایران به کار بگیرد (RFI, February 2, 2023). در سناریوی تشدید جنگ بین روسیه و اوکراین، رئالیسم تهاجمی بر این باور است که دولت‌ها، در این مورد جمهوری اسلامی ایران، باید در مواجهه با تشدید جنگ، به دنبال افزایش قدرت و نفوذ خود باشند تا امنیت و منافع ملی‌شان را تضمین کنند. این تئوری به دولت‌ها توصیه می‌کند که در یک محیط آنارشیک بین‌المللی، جایی که اعتماد میان دولت‌ها کمیاب است و دولت‌ها همواره به دنبال کسب قدرت بیشتر هستند، باید از فرصت‌های به وجود آمده در نتیجه جنگ استفاده کنند. در این سناریو،

تشدید جنگ منجر به درگیری و تمرکز قدرت‌های بزرگ مانند روسیه، ایالات متحده، و اتحادیه اروپا بر جنگ خواهد شد. این امر به کشورهایی مانند ایران فرصت می‌دهد تا از **خلاً قدرت** به وجود آمده در سایر مناطق استفاده کنند. به‌ویژه در مناطق استراتژیک مانند خاورمیانه و آسیای مرکزی، ایران می‌تواند با تقویت روابط خود با گروه‌های نیابتی و شبه‌نظامیان و بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود، **نفوذ منطقه‌ای** خود را گسترش دهد.

۵-۳- سناریوی سوم: توسعه‌طلبی روسیه

سناریوی سوم دال بر عقب‌نشینی تدریجی قدرت‌های غربی در جنگ روسیه و اوکراین به دلیل افزایش مشکلات داخلی، اعم از اقتصادی و اجتماعی و با تغییر در افکار عمومی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها علیه ادامه‌ی درگیری به علت ترس از تشدید تنش، می‌باشد. کمک‌رسانی نیروهای ناتو در اوکراین در حال تمام شدن است و توازن قدرت نظامی در نهایت به نفع روسیه تغییر پیدا می‌کند. در نتیجه روسیه اشغال سرزمین‌های شرقی و جنوب اوکراین را بدون کنترل کامل آنها توسعه داده و دسترسی به دریای سیاه را مسدود می‌کند. در چنین موقعیتی روس‌ها قادر خواهند بود برنامه‌های تهاجمی خود را علیه لهستان، کشورهای بالتیک و مولداوی نیز به کار بگیرند.

در سطح نظامی، منطبق تشدید تنش نامبرده که از ماه سپتامبر قابل مشاهده است، در چارچوب این سناریو (سناریوی سوم) قرار می‌گیرد. روسیه از ژوئیه ۲۰۲۲ به طور گسترده‌ای جمعیت خود را بسیج کرده است و نیروهای نظامی و شبه‌نظامیان خود را از سوریه و آفریقا برگردانده است. ضمناً شاید روسیه بتواند با پشتیبانی از منابع انسانی خارجی (کره شمالی، چین و غیره)، این حملات را مجدداً تشدید کند. علاوه بر این، تهدید هسته‌ای در قلب لفاظی پوتین برای تأثیرگذاری بر نتیجه‌ی جنگ همچنان بر قوت خود باقی می‌ماند. بنابراین اگر تا سال ۲۰۲۵ با موفقیت استراتژیک بسیج نظامی در روسیه با غلبه بر مشکلات آموزشی، هماهنگی و تدارکات مواجه باشیم، پس این سناریو (سناریوی سوم) قابل پیش‌بینی خواهد بود (Le Bec and Segur, 2023: 29).

بنابراین سناریوی سوم می‌تواند خطر درگیری روسیه با اروپای شرقی و تکرار تجربه‌ی اوکراین در این منطقه از جهان را به دنبال داشته باشد. ایران نیز از یک طرف، در صورت تداوم همکاری با روسیه به خصوص در حوزه‌ی نظامی، به طور غیر مستقیم در تشدید جنگ نقش خواهد داشت و از طرف دیگر، مانند سایر کشورها، از آسیب‌های اقتصادی مصون نخواهد ماند. البته پرنگ‌تر شدن حضور ایران در جنگ، بستگی به نوع و چگونگی تصمیم‌گیری رهبران و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی خواهد داشت. در رئالیسم تهاجمی، جنگ روسیه علیه اوکراین به عنوان تلاشی برای گسترش قدرت و نفوذ روسیه تفسیر می‌شود. روسیه به دنبال تحکیم هژمونی خود در منطقه اوراسیا و بازپس‌گیری حوزه نفوذ دوران شوروی است. این تفسیر در سناریوهایی مانند پیروزی روسیه یا برتری استراتژی توسعه‌طلبی روسیه، به خوبی نمایان می‌شود. در این سناریوها، تئوری رئالیسم تهاجمی استدلال می‌کند که روسیه با هدف افزایش امنیت و کنترل بر مناطق حساس استراتژیک تلاش می‌کند نفوذ خود را گسترش دهد. بر اساس **رئالیسم تهاجمی**، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های روسیه در این سناریو، جستجوی **امنیت از طریق گسترش قلمرو** است. روسیه با افزایش نفوذ خود در کشورهای همسایه مانند اوکراین، به دنبال ایجاد یک منطقه حائل است تا از تهدیدات احتمالی ناتو و غرب جلوگیری کند. از نظر **میشرشایمر**، دولت‌ها در سیستم آنارشیک بین‌المللی تنها از طریق افزایش قدرت و توسعه‌طلبی می‌توانند امنیت خود را تضمین کنند، زیرا هیچ نهاد بین‌المللی نمی‌تواند امنیت آن‌ها را به طور کامل تامین کند (Mearsheimer, 2001). از نگاه رئالیسم تهاجمی، جمهوری اسلامی ایران در چنین سناریوهایی به عنوان یک کشور در نزدیکی روسیه، باید به این موضوع توجه داشته باشد که در صورت برتری روسیه، ممکن است نفوذ این کشور در مناطقی مانند قفقاز، آسیای مرکزی و حتی خاورمیانه افزایش یابد، که می‌تواند به شکل‌گیری چالش‌های استراتژیک برای ایران منجر شود.

۵-۴- سناریوی چهارم: تحقق اهداف جغرافیایی و ژئواستراتژیک روسیه

بر طبق سناریوی چهارم، روسیه می‌تواند تا سال ۲۰۲۵ اوکراین را شکست دهد و کشورهای غربی که بیشتر درگیر مشکلات داخلی خودشان هستند، نمی‌توانند تقابل با روسیه را تشدید کنند. در این سناریو، اوکراین تا حدودی با رهبران طرفدار مسکو که در شهرها مستقر شده‌اند به چانه‌زنی مشغول خواهد شد. روسیه، از طریق دسترسی به دریای سیاه، موقعیت استراتژیک خود را در فضای اروپایی تقویت کرده و احتمالاً قادر خواهد بود خواسته‌های جدید سرزمینی را بیان کند. در این سناریو، پیروزی روسیه نه توسط اوکراین به رسمیت شناخته خواهد شد و نه توسط جامعه بین‌المللی و ناتو که این پیروزی را به معنای نشان دادن چراغ سبز به کشورهای دارای سلاح هسته‌ای در نظر می‌گیرند.

در این میان، منافع ایران با توجه به همکاری فزاینده با روسیه و موقعیت وی در نظم جدید را نباید فراموش کرد. برای مثال، پیروزی نظامی روسیه در جنگ روسیه و اوکراین، به تقویت انگیزه‌های این کشور در حضور در دریاها و آب‌های گرم منجر شده و در نتیجه نیروی دریایی ایران می‌تواند اتکای بیشتری به متحد قاره‌ای خود در دریای خزر، خلیج فارس و اقیانوس هند داشته باشد (فلاح و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۵).

علاوه بر این، در صورت استفاده روسیه از تسلیحات هسته‌ای، مسئله‌ی تمایل احتمالی سایر کشورها (و از جمله ایران) به در اختیار داشتن این تسلیحات نیز مطرح می‌شود که واجد پیامدهای امنیتی است. «استفاده از تسلیحات هسته‌ای توسط روسیه به کشورهای دارای سلاح هسته‌ای چراغ سبز برای به کارگیری آنها را نشان خواهد داد و از طرف دیگر، سایر کشورهای که فاقد نیروی نظامی هسته‌ای هستند به فکر داشتن آن خواهند افتاد» (کیانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۹-۶۸) که این امر می‌تواند در مورد ایران هم صادق باشد. بعلاوه، تمایل ایران و سایر کشورها به داشتن تسلیحات هسته‌ای، تبعات امنیتی خواهد داشت؛ زیرا ما احتمالاً با شکل‌گیری بلوک‌های جدیدی روبرو خواهیم شد و این مسئله می‌تواند بی‌طرفی یا مداخله در جنگ را افزایش دهد. از دیدگاه رئالیسم تهاجمی، موفقیت روسیه در دستیابی به اهداف ژئواستراتژیک خود در اوکراین به معنای تقویت نفوذ این کشور در مناطق کلیدی مانند اروپای شرقی و آسیای مرکزی است. این امر به تضعیف قدرت‌های غربی منجر می‌شود و در نتیجه، ایران می‌تواند از این موقعیت برای گسترش همکاری با روسیه بهره‌برداری کند و با استفاده از این اتحاد، جایگاه خود را در نظم بین‌المللی تقویت کند. رئالیسم تهاجمی تأکید دارد که افزایش نفوذ قدرت‌های غیرغربی، به طور غیرمستقیم به ایران کمک می‌کند که از فشارهای غربی بکاهد (Mearsheimer, 2014). با تقویت موقعیت روسیه، قدرت‌های غربی برای مقابله با نفوذ این کشور، فشارهای بیشتری بر متحدان آن از جمله ایران وارد خواهند کرد. رئالیسم تهاجمی بر این نکته تأکید دارد که ایران باید برای مقابله با تهدیدات خارجی، توان نظامی خود را افزایش دهد و با ایجاد بازدارندگی، از هرگونه تجاوز جلوگیری کند. این توصیه با مبانی تئوری رئالیسم تهاجمی همخوانی دارد که دولت‌ها را تشویق به افزایش قدرت برای تضمین امنیت می‌کند (Taliaferro, 2000). یکی از اصول اصلی رئالیسم تهاجمی این است که دولت‌ها باید توان نظامی و امنیتی خود را تقویت کنند تا در برابر تهدیدات خارجی محافظت شوند. در این سناریو، ایران باید با افزایش بودجه دفاعی و توسعه تسلیحات پیشرفته، جایگاه نظامی خود را در منطقه تقویت کند. به عقیده میرشایمر، دولت‌ها همواره به دنبال افزایش قدرت نظامی برای حفظ بقای خود هستند (Mearsheimer, 2001). بر اساس رئالیسم تهاجمی، در سناریوی تحقق اهداف ژئواستراتژیک روسیه، ایران باید از فرصت‌های به وجود آمده برای گسترش نفوذ خود و تقویت همکاری‌های استراتژیک با روسیه بهره‌برداری کند.

۵-۵- سناریوی پنجم: حفظ تمامیت ارضی اوکراین

سناریوی پنجم برای اوکراین نتیجه‌ی نسبتاً مطلوبی را در افق سال ۲۰۲۵ ترسیم می‌کند، حتی اگر این کشور علی‌رغم حفظ تمامیت ارضی خود مجبور شود امتیازاتی بدهد. روسیه که از نظر نظامی و اقتصادی ضعیف و منزوی شده است، با مخالفت افکار عمومی خود مواجه خواهد شد و نهایتاً به جنگ پایان داده و به طور کامل عقب‌نشینی خواهد کرد؛ البته مشروط به این

که قدرت اوکراین مهار شده و جمهوری‌های خودخوانده‌ی لوهانسک و دونتسک به قوت خود باقی بمانند. روسیه احتمالاً از تبلیغات داخلی استفاده کرده تا این نتایج را به مثابه نوعی پیروزی اعلام نماید. در واقع بسیج شکننده نیروهای نظامی روسیه ممکن است تبدیل به یک شکست شده و توازن قوا را به نفع اوکراین تغییر دهد. اما این بازگشت به معنای حفظ وضعیت موجود نیست؛ بلکه به عنوان بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی به خصوص در کریمه مطرح است. تحقق این سناریو بستگی به حمایت غرب از اوکراین دارد، مشروط به این که اوکراین از جاه‌طلبی‌های احتمالی خود به منظور اجتناب از تشدید جنگ دست بردارد.

پیروزی اوکراین و تضعیف روسیه، شکل‌دهنده‌ی سناریوی پنجم است. در این صورت، ایران با توجه به همکاری خود با روسیه در زمان جنگ، در صورت تمایل به ترمیم روابط خود با غرب و خروج از انزوا و رفع تحریم‌های اقتصادی، با مشکلاتی مواجه خواهد شد؛ زیرا غرب، همکاری ایران با روسیه را در زمان جنگ لحاظ کرده و مخالفان بازگشت ایران به صحنه‌ی بین‌المللی از این موضوع به عنوان حربه‌ای بر علیه ایران استفاده خواهند کرد. در این مورد نباید نقش اسرائیل را فراموش کرد؛ به خصوص از این جنبه که اسرائیل و ایران در جریان جنگ غزه به سمت تقابل نظامی مستقیم پیش رفته‌اند و بنابراین اسرائیل به احتمال زیاد تمام سعی خود را به کار خواهد بست تا از عادی‌سازی روابط ایران با غرب ممانعت به عمل آورد (شکوهی و قاسمی، ۱۴۰۳: ۷۸).

در سناریو، **رنالیسم تهاجمی** به این موضوع از منظر رقابت قدرت‌های بزرگ و تلاش دولت‌ها برای افزایش قدرت خود در نظام بین‌المللی آنارشیکی می‌پردازد. از این منظر، روسیه و ایالات متحده به دنبال گسترش نفوذ خود هستند و حفظ تمامیت ارضی اوکراین نه تنها برای اوکراین اهمیت دارد، بلکه از دیدگاه قدرت‌های بزرگ، به معنای حفظ یا تغییر توازن قدرت در منطقه است. رنالیسم تهاجمی به تحلیل این سناریو از دیدگاه رقابت استراتژیک میان قدرت‌های بزرگ می‌پردازد (Mearsheimer, 2014). از دیدگاه رنالیسم تهاجمی، اوکراین به عنوان یک **منطقه حائل** بین غرب و روسیه عمل می‌کند. حفظ تمامیت ارضی اوکراین به معنای جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه در اروپا است. در این سناریو، **ایالات متحده و متحدان غربی** از اوکراین حمایت خواهند کرد تا روسیه نتواند به اهداف توسعه‌طلبانه خود در این منطقه دست یابد. این حمایت نه از سر انسان‌دوستی، بلکه به دلیل **توازن قدرت** و جلوگیری از تقویت بیش از حد روسیه است (Mearsheimer, 2014). در این سناریو، **جمهوری اسلامی ایران** به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای باید به تغییرات در توازن قدرت میان روسیه و غرب توجه کند. از دیدگاه رنالیسم تهاجمی، ایران می‌تواند از ضعف روسیه در صورت حفظ تمامیت ارضی اوکراین برای **تقویت موقعیت استراتژیک خود** استفاده کند؛ یعنی شکست روسیه در دستیابی به اهداف ژئواستراتژیک خود ممکن است فرصتی برای ایران فراهم کند تا با قدرت‌های دیگر در منطقه به رقابت بپردازد (Waltz, 1979).

۵-۶- سناریوی ششم: وقوع جنگ جهانی

بر طبق این سناریو که می‌توان آن را «جنگ جهانی سوم» نیز نامید، جنگ تشدید شده و ناتو در صورت حملات غیر متعارف روسیه یا تجاوز به یک کشور عضو خود، به مداخله‌ی نظامی دست خواهد زد. همچنین بر طبق این سناریو، یک جبهه‌ی بین‌المللی جدید بازگشایی خواهد شد (Brunk and Hakimi, 2022: 691). در این صورت، چین می‌تواند جبهه‌ی جدیدی در تایوان به وجود آورد. ضمناً دخالت نظامی مستقیم بلاروس منجر به واکنش احتمالی لهستان خواهد شد. در چشم‌انداز سال ۲۰۲۵، دخالت نظامی مستقیم ناتو هنوز بعید به نظر می‌رسد. این دخالت به ویژه می‌تواند به شکست روسیه منجر شده و در نتیجه باعث استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط این کشور در خاک اوکراین شود.

از منظر **رنالیسم تهاجمی**، جنگ جهانی نتیجه تشدید رقابت میان قدرت‌های بزرگ است که به دنبال سلطه بر دیگران و گسترش نفوذ خود هستند. قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده، روسیه، چین، و قدرت‌های اروپایی همواره در تلاش برای

تقویت موقعیت استراتژیک خود در سیستم بین‌المللی بوده‌اند و تلاش می‌کنند که قدرت و نفوذ خود را در مناطق حساس افزایش دهند و این رقابت‌های تهاجمی ممکن است منجر به برخوردهای مستقیم شود که نهایتاً به جنگ جهانی می‌انجامد (Mearsheimer, 2014). در این صورت، شکل‌گیری بلوک‌های احتمالی می‌تواند ایران را در تمایلات خود به پیوستن یا عدم پیوستن به این بلوک‌ها و یا اتخاذ سیاست بی‌طرفی، تحت تاثیر قرار دهد. با این حال ایران باید با تقویت توان نظامی خود و ایجاد اتحادهای استراتژیک با قدرت‌های بزرگ مانند روسیه و چین، جایگاه خود را در نظام جهانی تقویت کند. در صورت وقوع جنگ جهانی، ایران احتمالاً به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای در تلاش خواهد بود تا از خلأ قدرت در منطقه خود برای افزایش نفوذ و تاثیرگذاری استفاده کند.

۶- نتیجه

به زبان رئالیسم تهاجمی مرشایمر می‌توان اظهار داشت که نیاز روسیه به تامین امنیت منطقه‌ای خود به عنوان یک هژمون در نظام بین‌المللی آنارشیک، این کشور را به سمت استفاده از نیروی نظامی و توسعه طلبی سرزمینی در اوکراین کشانده است و این امر پیامدهایی برای منطقه و نظام بین‌الملل به دنبال داشته است که از زوایای مختلف قابل بحث است و می‌توان در این راستا از تاثیرات ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک نام برد. بر این اساس، ارائه‌ی سناریو در قبال جنگ روسیه و اوکراین در چارچوب مطالعات آینده‌پژوهی، مطرح می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در مقام یک بازیگر فعال منطقه‌ای که از یک طرف با روسیه روابط نزدیک و پیچیده‌ای دارد و از سوی دیگر با غرب در چالش به سر می‌برد، از تاثیرات و پیامدهای ناشی از تحقق احتمالی این سناریوها مصون نیست. در پژوهش حاضر، شش سناریوی محتمل درباره‌ی جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن برای ایران محتمل ارزیابی شد که می‌توان نتیجه گرفت هر کدام، چالشها و مزیت‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران دارد:

آرام شدن جنگ: آرام شدن جنگ می‌تواند یک فرصت برای ایران ایجاد کند تا از طریق کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی در سطح بین‌المللی، به توسعه روابط اقتصادی و سیاسی خود بپردازد. آرام شدن جنگ به احتمال زیاد باعث کاهش نوسانات بازار انرژی می‌شود که می‌تواند به نفع ایران به عنوان یک صادرکننده انرژی باشد. آرامش بازار نفت و گاز ممکن است باعث ثبات قیمت‌ها شود و فشار اقتصادی بر ایران را کاهش دهد. در دیپلماسی، ایران می‌تواند روابط خود را با کشورهای درگیر در جنگ بهبود بخشد و نقش سازنده‌ای در مذاکرات صلح ایفا کند. با این حال، ایران باید با واقعیت‌های جدید منطقه‌ای و جهانی پس از جنگ کنار بیاید. کاهش نقش روسیه در منطقه ممکن است فضایی برای قدرت‌های غربی ایجاد کند که با منافع استراتژیک ایران مغایرت دارند. همچنین، فشارهای بین‌المللی برای کاهش نفوذ روسیه و احتمالاً تحریم‌های جدید علیه این کشور، ممکن است روابط اقتصادی ایران با روسیه را پیچیده‌تر کند.

تشدید جنگ: اگر جنگ به جای کاهش، تشدید شود و دامنه آن به کشورهای همسایه و سایر مناطق نیز گسترش یابد، پیامدهای گسترده‌تری برای ایران خواهد داشت. در این وضعیت، تقاضای جهانی برای انرژی افزایش خواهد یافت، زیرا بسیاری از کشورها به دنبال جایگزین‌هایی برای منابع انرژی روسیه خواهند بود. این موضوع می‌تواند فرصتی برای ایران باشد تا با فروش بیشتر نفت و گاز به کشورهای دیگر، اقتصاد خود را تقویت کند. همچنین ایران می‌تواند در چارچوب همکاری‌های امنیتی و نظامی با روسیه نقش موثرتری ایفا کند. در عین حال، تشدید جنگ باعث افزایش فشارهای بین‌المللی بر ایران به دلیل همکاری‌های آن با روسیه می‌شود. این وضعیت می‌تواند ایران را در معرض تحریم‌های بیشتر و انزوای بین‌المللی قرار دهد.

برتری استراتژی توسعه طلبی روسیه: اگر روسیه موفق شود با به‌کارگیری استراتژی‌های توسعه طلبانه و نظامی خود بر مناطق بیشتری تسلط یابد و اوکراین را به طور کامل در اختیار بگیرد، این امر پیامدهای مهمی برای ایران خواهد داشت. در این سناریو، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این فرصت برای گسترش نفوذ خود در میان کشورهای ضد غربی و ایجاد اتحادهای استراتژیک با روسیه و دیگر کشورها استفاده کند. افزایش نفوذ روسیه در منطقه می‌تواند به تقویت همکاری‌های مختلف میان تهران و مسکو بیانجامد. این نوع اتحاد می‌تواند موضع ایران در برابر غرب و کشورهای منطقه را تقویت کند. از سوی دیگر،

افزایش نفوذ روسیه در خاورمیانه و آسیای مرکزی ممکن است منافع ایران را در این مناطق تحت فشار قرار دهد. همچنین، اگر روسیه در جهت گسترش نفوذ خود به قفقاز و آسیای میانه ادامه دهد، این موضوع می‌تواند برای منافع استراتژیک ایران چالشی جدی ایجاد کند.

پیروزی روسیه: پیروزی کامل روسیه بر اوکراین به معنای تغییر اساسی در نظم بین‌المللی است. این پیروزی می‌تواند موضع روسیه را در مقابل غرب تقویت کرده و به یک بازآرایی جدید در سیاست‌های جهانی منجر شود. در این سناریو، ایران می‌تواند از نزدیکی خود به یک روسیه پیروز استفاده کرده و همکاری‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی خود را با مسکو گسترش دهد. تقویت روابط با روسیه می‌تواند به ایران کمک کند تا در برابر فشارهای غرب مقاومت بیشتری نشان دهد. همچنین، با افزایش نفوذ روسیه، ایران می‌تواند جایگاه استراتژیک خود را به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در نظم جهانی جدید تثبیت کند. با این حال، پیروزی روسیه ممکن است برای ایران نیز چالش‌هایی به همراه داشته باشد. افزایش قدرت روسیه می‌تواند به رقابت بر سر منابع و مناطق نفوذ منجر شود. علاوه بر این، وابستگی بیش از حد ایران به یک روسیه پیروز ممکن است به معنای کاهش استقلال عمل در سیاست خارجی و وابستگی بیشتر ایران به مسکو شود.

پیروزی اوکراین: این سناریو می‌تواند به تغییرات عمده‌ای در سیاست‌های خارجی ایران منجر شود. هرچند پیروزی اوکراین در نگاه اول ممکن است برای ایران تهدید محسوب شود، اما می‌تواند فرصتی برای تهران باشد تا سیاست‌های خود را بازبینی کند. در صورت شکست روسیه، ایران ممکن است مجبور به کاهش همکاری‌های نظامی و اقتصادی با مسکو شود و از این فرصت برای ایجاد روابط بهتر با کشورهای غربی استفاده کند. اما در این سناریو، فشارهای بین‌المللی بر ایران به دلیل روابط نزدیک آن با روسیه افزایش خواهد یافت. کشورهای غربی ممکن است ایران را به دلیل حمایت غیرمستقیم از روسیه تحریم کنند. همچنین شکست روسیه ممکن است به کاهش توانایی ایران برای ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک در مقابل غرب منجر شود و موضع ایران در منطقه تضعیف شود.

وقوع جنگ جهانی: این سناریو یکی از بحرانی‌ترین سناریوهاست. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران ممکن است به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان اصلی انرژی جهان در موقعیت استراتژیک قرار گیرد و با استفاده از این اهرم، روابط خود را با کشورهای دیگر تقویت کند. اما وقوع یک جنگ جهانی جدید به معنای افزایش بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه است. ایران ممکن است مجبور به انتخاب میان قدرت‌های بزرگ جهان شود و این انتخاب می‌تواند به تشدید تنش‌های داخلی و خارجی منجر شود. همچنین، وقوع جنگ جهانی می‌تواند اقتصاد ایران را تحت فشار بیشتری قرار دهد.

در هر یک از این سناریوها، ایران با فرصت‌ها و چالش‌های مختلفی مواجه خواهد بود. تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس ارزیابی دقیق از وضعیت جهانی و منطقه‌ای صورت گیرد. توجه به تحولات ژئوپلیتیکی و اقتصادی پس از جنگ و توانایی ایران در انطباق با شرایط جدید، عامل کلیدی در تعیین آینده سیاست خارجی و امنیتی ایران خواهد بود.

منابع

کتاب و مقالات

- جباری، مسعود (۱۴۰۱)، «بررسی روابط روسیه و آمریکا پس از بحران اوکراین و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال چهارم، شماره ۴۵، تابستان ۱۴۰۱، صص ۸۷-۱۰۰.
- حلال‌خور، مهرداد و سعیدی راد، آرش (۱۴۰۰)، «ایران - اوکراین در دوران بحران و تاثیر آن بر روابط با روسیه»، دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۱۰، پاییز و تابستان ۱۴۰۰، صص ۷۵-۹۸.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و سارا فرهمند (۱۴۰۱)، «جنگ روسیه - اوکراین و آینده نظم بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال بیست و هشتم، شماره ۱۱۸، تابستان ۱۴۰۱، صص ۸۷-۱۱۳.

- شکوهی، سعید و قاسمی، حسین (۱۴۰۳)، «تاثیر جنگ ۲۰۲۲م اوکراین بر روابط ایران و روسیه؛ مطالعه‌ی موردی: دیدگاه نخبگان ایرانی»، *مطالعات کشورها*، ۲(۱)، ۶۵-۸۹.
- فلاح، احسان و عامری اسدالله، (۱۳۹۵)، «ریشه‌های بحران اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۵، صص ۸۶-۸۷.
- کیانی، محمد؛ آقارب پرست، محمدرضا؛ اسمعیلی، بشیر (۱۴۰۲)، «سناریوهای محتمل درباره‌ی استفاده‌ی روسیه از تسلیحات هسته‌ای در جنگ اوکراین»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۵۵، صص ۷۰-۵۷.
- مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۰)، *فرصت‌ها و تهدیدهای بحران اوکراین برای اقتصاد ایران*.
- یزدی یحیی‌آبادی، اصغر؛ مجید معصومی و مهدی حسنی باقری (۱۳۹۹)، «مقایسه نظم سیاسی در منطقه غرب آسیا در راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و روسیه»، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، شماره ۴، بهمن ۱۳۹۹، صص ۲۸۷۵-۲۸۵۲.

سایت‌های خبری

- انصاف نیوز، ۱۴ آبان ۱۴۰۱.
- تابناک، ۱۴ آبان ۱۴۰۲.
- سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو (<https://russia.mfa.gov.ir>). ۱۴۰۰/۱۰/۳۰.
- راديو فرانسه (.RFI, February 2, 2023).

- Astrov, V., Grievesson, R., Kochnev, A., Landesmann, M., & Pindyuk, O. (2022). *Possible Russian invasion of Ukraine, scenarios for sanctions, and likely economic impact on Russia, Ukraine, and the EU* (No. 55). Policy Notes and Reports.
- Brunk, I. W., & Hakimi, M. (2022). Russia, Ukraine, and the future world order. *American Journal of International Law*, 116(4), 687-697.
- Dator, J. (1979). The futures of cultures and cultures of the future. *Perspectives on Cross-Cultural Psychology*, Academic Press, New York, NY, 369-88.
- Inayatullah, S. (2013). Futures studies: theories and methods. *There's a future: Visions for a better world*, 30.
- Le Bec, A., & Marie, S. (2023). « Guerre en Ukraine », *Futuribles International*, N. 284, 2.
- Mearsheimer, J. J. (2003). *The Tragedy of Great Power Politics (Updated edition)*. WW Norton & Company.
- Mearsheimer, J. J. (2010). Reckless states and realism. In *Realism and world politics* (pp. 135-151). Routledge.
- Taliaferro, J. W. (2000). Security seeking under anarchy: Defensive realism revisited. *International security*, 25(3), 128-161.
- Niakooee, S. A., & Rahdar, H. (2021). The Middle East and Iran in Russia's Foreign Policy after the Ukraine War. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 12(34), 493-524.
- Oualaalou, D. (2021). *The Dynamics of Russia's Geopolitics*. Springer International Publishing.
- Schwartz, P. (1995). 'Scenarios: the Future of the Future.' *Wired* (October).
- Tampubolon, M. (2022). Russia's invasion of Ukraine and its impact on global geopolitics. *ESJ Humanities*, 18(20), 48-70.
- Waltz, K. (1979). *Theory of International Politics*, Boston: Addison-Wesley.